در جست‌وجوی هویت کاروان‌سراهای خراسان که در فهرست میراث جهانی یونسکو جای گرفته‌اند

منزل به منزل تا سرای سپنج

شیما سیدی| نام کاروان‌سرا در ایران با پسوند شاه‌عباسی گره خورده و به محض اینکه صحبت از کاروان‌سرا می‌شود، ذهن بی‌درنگ به یاد شاه‌عباس می‌افتد. البته که او با احداث و احیای ۹۹۹ کاروان‌سرا، نامش را بر پیشانی تاریخ کاروان‌سراها حک کرده است. اما برای گفتن از پیشینه رباط‌ها و اقامتگاه‌های جاده‌ای ایران باید از صفویه عبور کنیم و به قرن‌ها قبل بازگردیم. صدای پای مسافران تاریخ ایران، از دوران هخامنشی به گوش می‌رسد، بعدها مارکوپولو هم در سفرنامه‌اش از این اقامتگاه‌های ایرانی یاد می‌کند. خواجه رشیدالدین فضل‌ا... در عصر ایلخانی و امیرعلیشیرنوایی در عهد تیموری نیز از دیگر نام‌های بزرگی بودند که هر یک به سهم خود در مسیر تاریخ کاروان‌سراها چراغی افروختند.
در این گزارش به بهانه سالروز ثبت‌نام ۵۴ کاروان‌سرای ایران و ۱۱ کاروان‌سرای خراسان بزرگ در ۲۶ شهریور ۱۴۰۲ در فهرست میراث جهانی یونسکو، قرار است کوله‌بار دغدغه‌هایمان را زمین بگذاریم و در سایه‌سار کاروان‌سراها، لختی به تماشای سفرهای رفته و راه‌های پیش‌رو بنشینیم.

کاروان‌سرای مزینان

در جست‌وجوی معنا؛ کاروان‌سرا یا رباط؟

«فرق میان رباط و کاروان‌سرا چیست؟» این پرسش تاکنون از کارشناسان و استادان بسیاری در حوزه معماری، تاریخ و باستان‌شناسی خراسان پرسیده شده و پاسخ‌های متفاوتی داشته است. از تفاوت در کاربری گرفته تا ابعاد، معماری و فاصله آن تا شهر. گویی واژه‌ها نیز مانند خود بناها، در طول زمان تغییر ماهیت داده‌اند. تعدادی از پاسخ‌ها بدین شرح است:

- «رباط نام تاریخی‌تر این بناها بوده و کاروان‌سرا نامی است که در دوران معاصر به آن اطلاق می‌شود به جز این تفاوتی در کاربرد و معماری ندارد.»
- «رباط‌ها کاربری نظامی هم داشتند، ولی کاروان‌سراها فقط ویژه استراحت مسافران بودند.»
- «کاروان‌سراها از رباط‌ها بزرگ‌تر بودند.»
- «رباط‌ها فاصله بیشتری از شهرها داشتند و کاروان‌سراها نزدیک‌تر به شهرها بودند.»
- «کاروان‌سرا علاوه بر اتاق برای مسافران، دارای باره‌بند و طویله هم بوده است.»
- «کلمه رباط، پس از ورود اسلام در ایران رایج شد. ریشه واژه «رباط» به «رباط‌الخیل» (محلِ بستنِ اسبان) در آیه ۶۰ سوره انفال بازمی‌گردد که در صدر اسلام بیشتر کاربری نظامی و پادگانی داشت.»

با تمام این تعاریف، در تاریخ ایران و به‌ویژه از عصر صفوی به بعد، این دو واژه عملا به یک معنا به کار رفته‌اند و به همه مجتمع‌های بین راهی برای اقامت مسافر، هم رباط گفته می‌شد و هم کاروان‌سرا. بنابراین اگر امروز بگوییم «کاروان‌سرای شرف» و یا «رباط شرف» بی‌راه نگفتیم، اما به کار بردن هر دوی این واژه‌ها کنار هم به صورت «کاروان‌سرای رباط شرف» خطایی حشوگونه است. وقتی پای واژه‌هایی مثل «ساباط»، «کاربات» و «سپنجی‌سرا» نیز به میان می‌آید، ماجرا پیچیده‌تر هم می‌شود. ساباط به مکان سرپوشیده‌ای گفته می‌شد که در کنار راه، پناه مسافران بود. این پناه‌گاه‌ها معماری چندان پیچیده‌ای نداشت و تنها ویژگی‌اش این بود که در مقابل آفتاب و سرما سرپوشیده است ولو اینکه دو اتاق داشته باشد. اما در نقطه مقابل ساباط، سپنجی‌سراها بودند که امکاناتی ویژه داشتند. هرچند کاروان‌سرا یا رباط جایی وسیع‌تر به نام سپنجی‌سرا بود که برای مواقع ناامنی و سرما برای چندین کاروان و در چند روز آذوقه و امکانات داشت. مانند رباط سنگ‌بست در جاده مشهد-فریمان. هرکدام از این واژه‌ها گرچه در لایه‌ای از معنا با دیگری متفاوت است؛ درست مثل تفاوت‌های ظریفی که امروز بین هتل، متل، بوتیک هتل و اقامتگاه بوم‌گردی قائلیم، در معنا همه آن‌ها پناهگاه مسافرند و هرکدام قصه و کاربرد خود را در میزبانی دارند.

«شب امتحان»؛ کاربرد دوگانه کاروان‌سراهای چسبیده به شهر

در گذشته کاروان‌ها هرروز تقریبا شش فرسخ راه می‌رفتند و شب باید در کاروان‌سرا «منزل» می‌کردند. به این مسافت یک روزه کاروان‌ها «منزل» می‌گفتند و به توقف‌های کوتاه‌تر برای ناهار، «مرحله». بنابراین معمولا فاصله کاروان‌سراها از هم شش فرسخ یعنی حدود ۳۶ کیلومتر بود. مانند فاصله رباط خاکستری تا رباط سنگ‌بست، و از آنجا تا رباط چاهه و... امانکته‌ای که در پس این جغرافیا پنهان است، وجود کاروان‌سراهای چسبیده به شهرهای بزرگ بود. این بناها نه فقط برای مسافرانی که پشت دروازه‌های بسته شهر می‌ماندند، که کارکرد هوشمندانه دیگری هم داشت. کاربرد اول همان‌طور که گفته شد این بود که اگر کاروانی بعد از غروب از راه می‌رسید و با دروازه بسته شهر روبه‌رو می‌شد، باید شب را در کاروان‌سرای بیرون شهر می‌ماند تا روز بعد دروازه باز شود و مسافران بتوانند وارد شهر شوند.

اما کاربرد دوم این کاروان‌سراها «شب امتحانی» بوده است. کاروان‌هایی که از داخل شهر به قصد سفر راه می‌افتادند، نمی‌توانستند ریسک کنند و ۳۶ کیلومتر راه را تا منزل بعد طی کنند و بعد متوجه شوند وسیله‌ای جا گذاشته‌اند! آن‌ها معمولا شب اول را در کاروان‌سرای بیرون شهر سپری می‌کردند و وسایلشان را باز می‌کردند تا اگر چیزی جا گذاشته‌اند، به سرعت به شهر برگردند. این، نکته‌ای ظریف در مدیریت سفر روزگار قدیم بود.

اثر انگشت معماران ایرانی در میراث جهانی

آیا معماری همه کاروان‌سراهای ایرانی شبیه به هم است؟ پاسخ، «نه» است و همین «نه»، راز ماندگاری آن‌هاست. پرونده کاروان‌سراهای ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال معماری ایرانی ۲۶ شهریور ۱۴۰۲ در میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. ۵۴ کاروان‌سرای تاریخی ایران در ۲۴ استان کشور ثبت جهانی شدند، درحالی‌که هیچ‌کدام از این کاروان‌سراها نقشه تکراری ندارند. این بناها، نه محصول تولید انبوه، که حاصل خلاقیت و نبوغ معمارانی ایرانی در طول تاریخ هستند.

دکتر حامد طهماسبی‌زاوه با نگاهی ویژه به کاروان‌سراهای ثبت جهانی شده خراسان بزرگ می‌گوید: از میان بیش از ۷۰۰ کاروان‌سرای ثبت‌شده ملی در ایران (که ۱۵۰تای آن در خراسان جای دارد)، ۵۴ کاروان‌سرا به ثبت جهانی یونسکو رسیده‌اند که در این میان خراسان بزرگ با یازده کاروان‌سرا، بیشترین سهم را در میان پرونده‌های میراث جهانی دارد. رباط شرف، رباط عباس‌آباد، رباط فخر داود، رباط مزینان، رباط فخرآباد، رباط زعفرانیه و رباط مهر کاروان‌سراهای ثبت جهانی شده خراسان رضوی است. رباط قلی از خراسان شمالی و رباط سرایان، رباط ده محمد و رباط چهل پایه نیز از خراسان جنوبی به ثبت جهانی رسیده است. نکته شگفت‌انگیز این است که هیچ دو کاروان‌سرایی در ایران، پلان یکسان و تکراری ندارند. اگرچه الگوی حیاط مرکزی یا چهار ایوانی مشترک است، اما هر بنا متناسب با بوم، توپوگرافی و نیاز منطقه طراحی شده است. رباط شرف با گچ‌بری‌ها و آجرکاری‌های خیره‌کننده‌اش، که در سال ۵۴۸ هجری به دستور مادر سلطان سنجر سلجوقی مرمت و بازسازی شد، نه یک بنای تشریفاتی صرف، که نشانی از زیباشناسی کاربردی در دل راه‌های شاهی بوده است.

خراسان و سه‌گانه «بقا، امنیت و معنا»

خراسان، بیش از آنکه یک جغرافیای مرزگذاری شده باشد، یک «اهلیت» است؛ پاسخی مداوم به خشکی کویر، هجوم بادهای سرد و مسافت‌های جان‌فرسا. در نگاه باستان‌شناسان و پژوهشگران تاریخ خراسان، زیست خراسانیان بر سه پایه بنا شده است: اهلیت بقا که خودش را در شاهکار مهندسی قنات، آب‌انبار و معماری درون‌گرا نشان می‌دهد؛ اهلیت امنیت که در قامت قلعه‌ها و برج و باروهای استوار تجسم یافته و اهلیت معنا که در عرفان، موسیقی مقامی، ادبیات و آستان حضرت رضا(ع) ریشه دارد.

در این میان، کاروان‌سراها و رباط‌های خراسان نقطه تقاطع هر سه اهلیت بوده‌اند؛ حلقه وصل بقا و امنیت برای مسافران و میعادگاهی برای تبادل فرهنگ و معنا.

حساب و کتاب یک سفر در دل تاریخ

وقتی از جاده‌های کهن خراسان سخن می‌گوییم، از یک نظام دقیق لجستیکی حرف می‌زنیم، نه فقط یک مشت خشت و گل رهاشده در بیابان. دکتر طهماسبی با یک حساب و کتاب دقیق از منظر آمار نگاهی انداخته به نقش کاروان‌سراها در خراسان: یک کاروان متوسط، بین ۱۵۰ تا ۵۰۰ نفر جمعیت داشت و کاروان‌های بزرگ گاه تا دو هزار نفر را در خود جای می‌دادند. برای حمل بیست تن کالا در جاده‌های خراسان، حداقل به ۱۵۰ رأس قاطر، ۵۰ شتر و ۲۰ سوارِ محافظ نیاز بود. این حجم از جابه‌جایی، روزانه به ۹۰۰ کیلوگرم جو برای خوراک چارپایان، ۷ هزار لیتر آب و ۱۲۰ کیلوگرم غذا برای نیروی انسانی احتیاج داشت. کاروان‌سرا دقیقا همان نقطه‌ای بود که باید این چرخه را در دل بیابان بی‌رحم زنده نگه می‌داشت. علاوه بر این، کاروان‌سراها محل «تبادل نوار ترابری» بودند. شترهای یک‌کوهانه‌ای که از سمت بلخ می‌آمدند، در خراسان بار خود را به شترهای دوکوهانه می‌سپردند و در کوهستان‌های غربی، بارها بر پشت قاطرها می‌نشست.

نبرد با باد و بی‌آبی؛ مهندسی پنهان در رباط‌های خراسانی

دکتر طهماسبی درباره معماری کاروان‌سراهای خراسان در پاسخ به اقلیم نیز می‌گوید: دیوارهای ۱۰ تا ۱۱متری رباط شرف بی‌دلیل بلند ساخته نشده‌اند؛ ضلع رو به باد دیوارهای کاروان‌سرا، همواره ضخیم‌تر و مرتفع‌تر طراحی می‌شد تا آسایش مسافران را در برابر طوفان‌های شن تضمین کند.

اما شاهکار اصلی، «مدیریت آب» بود. کاروان‌سرایی مثل رباط چهل‌پایه، آب سیلاب‌ها را پیش از شور شدن مهار می‌کرد. در رباط ماهی، آب‌انباری دایره‌ای با قطر ۵۰ متر در کنار کشف‌رود پیش‌بینی شده بود، و در رباط شرف، چهار آب‌انبار (دو آب‌انبار عمومی و دو آب‌انبار اختصاصی) آب باران جمع‌شده از پشت‌بوم‌ها را هدایت و ذخیره می‌کردند. مدیریت آب، شرط اول بقای جاده بود، چیزی که امروز با تانکرها از دست رفته است.

حیاط کاروان‌سراها در روستاها ادامه دارد

راه‌های خراسان فقط مسیرِ عبور نبودند؛ «زیست‌بومِ تعامل» بودند. روستاهایی مانند رباط سفید، رباط سنگ، شریف‌آباد و رباط خاکستری، همگی فرزندان همین کاروان‌سراها هستند که دور آن‌ها شکل گرفته و تا امروز زنده مانده‌اند. خراسان با راه‌ها و منزلگاه‌هایش، یک هویت زنده و روایتی مدام است.

نقش کاروان‌سراها در ادبیات

کاروان‌سراها فقط ملات و آجر نبودند؛ زیست‌بوم تعاملات فرهنگی بودند. در سکوت کویر، جایی که شرق و غرب و ماورا به هم می‌رسیدند، مثنوی مولانا و حکایت‌های سعدی و فردوسی متولد می‌شد. کاروان‌سراها، ایستگاه اندیشه بودند. مولانا به خوبی این هم‌نشینی را تصویر کرده است:

«کرده منزل شب به یک کاروانسرا / اهل شرق و اهل غرب و ماورا»

و سعدی، این مسافر همیشگی، چه زیبا از ناپایداری این منزلگاه‌ها سخن گفته است:

«چرا دل بر این کاروانگه نهیم / که یاران برفتند و ما در رهیم»

اجداد ما در دل این مسیرهای دشوار، به درک عمیقی از زندگی رسیده بودند؛ آن‌ها می‌دانستند که راه، مقصدی است که تمامی ندارد. کاروان‌سراهای ما، گواه این حقیقت‌اند که ایران، همواره چهارراه گفت‌وگو بوده است و این، همان میراثی‌ست که هنوز در جان جاده‌هایمان جاری است.

خراسان، در صدر فهرست کاروان‌سراهای جهانی

ثبت ۱۱ کاروان‌سرا از استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی در فهرست میراث جهانی نشانه نیک‌اندیشی و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی و اعتقادی خراسانیان در گذشته‌های دور و نزدیک است و باعث شده نام خراسان با بیشترین تعداد پرونده ثبتی کاروان‌سراها در صدر ۲۴ استان قرار گیرد.
هرکدام از این رباط‌ها راوی گوشه‌ای از تاریخ این جغرافیا و نیز راوی فرهنگ و آداب و رسوم پیشینیان ماست و حفظ شأن به عنوان مواریث تاریخی و فرهنگی وظیفه سرزمینی ما. بماند که این بناهای تاریخی، امروز هم می‌تواند مراکزی برای آمد و شد گردشگران و مسافران باشد. در بسیاری از شهرها، همین بناهای تاریخی، به مراکز فرهنگی یا گردشگری بدل شده و با حفظ غنای تاریخی، کاربری دوباره پیدا کرده‌اند. امید می‌رود ثبت جهانی این بناها با حمایت مالی یونسکو، بتواند انگیزه‌ای برای جلب سرمایه‌گذار باشد. در زیر نگاهی می‌اندازیم به هفت رباط ثبت جهانی شده خراسان رضوی.

رباط شرف (آبگینه)؛ هنری‌ترین کاروان‌سرای جاده ابریشم

قدمت: عصر سلجوقی (سال ۵۰۸ هجری قمری)
وسعت: ۴۶۴۴ مترمربع
مهم‌ترین شاخصه: تزیینات آجرکاری و گچ‌بری (موزه آجرکاری)
وضعیت فعلی: مرمت‌شده
کاربری: موزه باز، سایت گردشگری تاریخی و محل برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری
نشانی: خراسان رضوی، مسیر مشهد به سرخس، روستای شورلق
تاریخ ثبت ملی: ۱۳۲۱/۳/۲۰

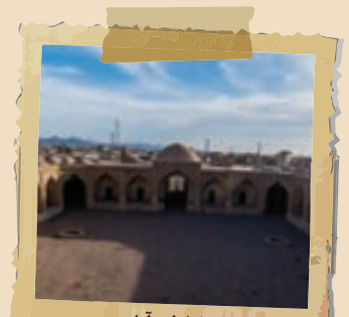
رباط فخرآباد؛ کاروان‌سرای تابستانی خراسان

قدمت: دوره قاجار
وسعت: ۲۵۰۰ مترمربع
مهم‌ترین شاخصه: آجرکاری‌های رنگارنگ و نقش‌های ستاره‌ای در سقف هشتی
وضعیت فعلی: نیاز به مرمت و توجه بیشتر.
کاربری: سایت گردشگری محلی و تاریخی.
نشانی: خراسان رضوی، شهرستان بجستان، نزدیک روستای فخرآباد
تاریخ ثبت ملی: ۱۳۵۴/۷/۱۴

رباط فخر داوود؛ کاروان‌سرای زمستانی خراسان

قدمت: عصر تیموری
وسعت: ۸۵۳ مترمربع
مهم‌ترین شاخصه: کاروان‌سرای سرپوشیده کوهستانی و برج‌های دیده‌بانی
وضعیت فعلی: متوسط (نیاز به بازسازی در برخی بخش‌ها).
کاربری: سایت گردشگری محلی و نقطه توقف برای مسافران مسیر نیشابور-مشهد
نشانی: خراسان رضوی، نزدیکی روستای فخرداوود (مسیر مشهد-نیشابور)
تاریخ ثبت ملی: ۱۳۷۷/۶/۱۸

رباط زعفرانیه؛ کاروان‌سرایی با کاربرد دفاعی

قدمت: ریشه‌های سلجوقی با بازسازی‌های صفوی و قاجار
وسعت: ۵۱۰۰ مترمربع
مهم‌ترین شاخصه: برج‌های چندمنظوره و معماری مستحکم
وضعیت فعلی: متوسط (بخش‌هایی از آن به بازسازی نیاز دارد).
کاربری: سایت گردشگری تاریخی و محلی.
نشانی: خراسان رضوی، ۳۶ کیلومتری شرق سبزوار، روستای زعفرانیه
تاریخ ثبت ملی: ۱۳۴۶/۹/۱۷

رباط عباس‌آباد؛ بهترین پاتوق برای رصد ستارگان

قدمت: اواخر تیموری و اوایل صفوی
وسعت: حدود ۵ هکتار
مهم‌ترین شاخصه: ظرفیت بالا برای رصد نجومی و دو حیاط مجزا
وضعیت فعلی: خوب (به دلیل دوری از شهر، دست‌نخورده‌تر مانده است).
کاربری: سایت گردشگری نجومی و عکاسی.
نشانی: خراسان رضوی، ۲۶ کیلومتری جاده تایباد به تربت‌جام
تاریخ ثبت ملی: ۱۳۷۸/۶/۲

رباط مهر؛ وسیع‌ترین کاروان‌سرای خراسان

قدمت: عصر قاجار (با ریشه‌های احتمالی صفوی)
وسعت: بیش از ۵۷۰۰ مترمربع
مهم‌ترین شاخصه: وسیع‌ترین کاروان‌سرای منطقه و ایوان‌های دو طبقه
وضعیت فعلی: خوب.
کاربری: سایت گردشگری و فضای تفریحی محلی.
نشانی: خراسان رضوی، روستای مهر (مسیر سبزوار)
تاریخ ثبت ملی: ۱۳۶۳/۶/۲۵

رباط مزینان؛ کاروان‌سرایی مجهز در عهد صفوی

قدمت: دوره صفوی
وسعت: ۶۱ در ۶۳ متر (تقریبا ۳۸۰۰ مترمربع)
مهم‌ترین شاخصه: معماری اصیل صفوی و کتیبه‌های تاریخی ارزشمند
وضعیت فعلی: خوب و با ظرفیت بالا.
کاربری: سایت گردشگری تاریخی و توریستی.
نشانی: خراسان رضوی، روستای مزینان، شهرستان داورزن
تاریخ ثبت ملی: ۱۳۶۳/۶/۲۵